

## ادبیات هرمزگان و تاثیر پذیری هایش

آرام ها خواسته ها نیازها ارزش ها هنجارها آیین ها آداب و رسوم اعتقادات فرهنگ هنر و تمام آنچه که جامعه و رفتارهای اجتماعی را متبلور و متجلی میسازد در شعر و ادب نمایان میشود و شاعران این مهم را انجام میدهند اما به شیوایی و بلاغت و فصاحت و دلنشین . هرمزگان با نوستالوژی و فولکلوریک های ویژه خود و نیز قدمت دیرینه ای تاریخی شعر و ادب همواره بر قله ای رفیع درخشیده است. نبوغ شعرا و ادیبان و نیز خلق آثار متفاوت و متنوع و ارزنده و گرانبها در اشکال مختلف از سروران گرمی هرمزگان دال بر قدرت و توانمندی خالقان اثر می باشد . زندگی مردم در کنار دریا و شرایط اقلیمی و جغرافیایی و همچنین تاریخ حضور بیگانگان از کشورهای متعدد مثلا انگلیس پرتغال آفریقا هندوستان و..... نمایانگر تاثیرات

فرهنگها و حتی زبان های گوناگون بر این خطه ی گرماخیزی باشد شرحی و بوی خاص جنوب گونه ای از زندگی و مردم شناسی را رقم میزند . که عمدتا در انعکاس اشعار و آثار بزرگان فرهنگ و ادب نمایانگر است . شعر و ادب با اندیشه و تفکر و سلیقه و..... این مردم و دیار آمیخته شده است . حتی سرزندگی و صمیمیت و صداقت و نجابت و خونگرمی و مهمان نوازی ..... مردم زبانزد بومی و غیربومی است . به همین دلیل بیشترین جمعیت را مهاجرین تشکیل می دهند بگونه ای که ازدواج ها و آمیختگی ها و وصلت ها و دبستگی ها و وابستگی ها به وفور مشاهده می شود . به شکلی که بومی و غیربومی را نمیتوان از هم متمایز کرد و آنچنان زمان سکونت ها زیاد است که افتراق آنها از یکدیگر هم مشکل و غیرممکن و نیز نامناسب و نامطلوب می باشد . و همه ی این احوال کما بیش در آثار و شعر و ادب مشاهده و ملموس می باشد . درودتان باد شاعران و ادیبان گهربور و مهر آفرین خجسته و برجسته ..... (محمد علی قویدل فرد)

## ادبیات هرمزگان ، شباهت ها و تفاوت ها

♦ گروه هنری // مسلم محبی

بدیهی ست که شعر هرمزگان با شعر سایر نقاط ایران مشترکات فراوانی دارد و البته تفاوت هایی اختلافات بین محافل ادبی مختلف از مشترکات هرمزگان با سایر استان هاست که ذات اندیشه مولد تفاوت و تقابل است و این قصه امروز و دیروز نیست که در دوره های مختلف شعر فارسی جدال های اندیشه محور ، نه تنها به رکود شعری نینجامیده که

هر نسله فکری را خلق ترو مجهزتر به مصاف رقیب فرستاده است .

به هر حال هرمزگان هم مستثنی از این روال نیست و از فواید مهم این قال و مجال ، سربر آوردن گونه های مختلف شعری ست که سلاطین مختلف از گشت و گذار در این

ویرترین رنگارنگ بی بهره نخواهند ماند .

اما ضربه ی مهلک بر پیکر ادبیات هرمزگان آنجاست که این گوناگونی و تقابل ها از دایره علم و اندیشه ورزی فراتر می رود و در یغ بیشتر اینکه این آفت ، بیشتر سردمداران محافل ادبی مختلف را درگیر می کند و بدیهی ست که به تبع آن کل مجموعه با این باور که نزاعی علمی ست به کارزار می پیوندند و بخش مهمی از توان چهره های موثر شعر استان در این این گفت و واگفت بی دلیل صرف می شود .

و غمگینانه تر آنکه پس از تقلیل توان مجامع ادبی ، کسانی که توشه ای از تفکر و تلمذ در محضر اهل فن و ذوق و مطالعه بر نگرفته اند تنها با استمرار حضور در حاشیه تقابل اهل اندیشه نامی برای خویش جستجو می کنند و کالای کم بهای خود را با لعابی فریبنده به نام نمونه های تولیدی ادبیات امروز هرمزگان به خورد مخاطبی می دهند که برایش در شلوغی ذوق سوز فضای مجازی ، شناخت سره از ناسره چندان آسان نیست ...

## رفتار شناسی ادبی در جغرافیای ادبیات امروز هرمزگان

♦ گروه هنری // بداله شهرجو

جغرافیا برای ادبیات نمی تواند یک تعریف تعیین کننده باشد ولی این ویژگی را دارد تا به عنوان یک تمایز برای باز تعریف برخی از شرایط در کنار ادبیات قرار گیرد ادبیات هرمزگان و جغرافیای تعیین شده برای آن این روزها چه چیزی را کم دارد؟ نمی توان

گفت ادبیات هرمزگان از چهره تپه شده ، چرا که هنوز به عنوان نسل دهه هفتاد با آن خروش تاثیرگذاران می نویسد و حضور موثر دارند باید به این نسل ، نسل تازه ادبیات هرمزگان را هم افزود چهره های جوان تر که در دو دهه گذشته کم کم به ادبیات هرمزگان اضافه شده اند البته پذیرفتنی است که آن شور و جنبش کم سابقه دهه هفتادی ها را ندارند ، پراکنده اند و انسجام یافتگی نسل قبل از خود را ندارند اما می نویسد و ویژگی برتری جویی شان به چشم می آید .

اما حال ادبیات هرمزگان در این روزها خوب نیست ، تجربه هایی از نمونه های تلخ اواخر دهه چهل و پنجاه دوباره در حال شکل گیری است . نسلی که به انزوا کشانده شد تا اگر این روزها در موردشان می نویسیم و می خوانیم پس از مرگ شبیه به همشان باشد . بی هیچ تردیدی بعد از

شروع جدی جریان نوگرایی در ادبیات هرمزگان در اواخر دهه چهل و رکود دو دهه پنجاه و شصت ، نمی توان از جهش یک باره دهه هفتادی ها به سادگی گذشت ، باز هم نمی توان خرسندی مان را پنهان کنیم از چهره هایی از همان نسل مانند «موسا بندری ، سعید آرمات ، علی آموخته نژاد ، بداله شهرجو، طیبه شنبه نژاد و محمد ذوالفقاری » که همچنان می نویسد و در کنار نسل تازه تر حضوری تاثیرگذار دارند. دهه هفتاد برای ادبیات هرمزگان تنها یک مرزبندی تاریخی نیست

تا بتوانیم آنچه در خلال یک فاصله ده ساله گذشته است را مرور کنیم . بلکه مانند یک سکوی آغاز می ماند که شروع آن پس از عبور رختونک دهه شصت است اما تداوم و ادامه آن می تواند همچنان پی گرفته شود ، همان گونه که در اواخر دهه چهل نسل پیشگام با انسجامی قابل توجه

آغاز یک راه تازه را رقم زدند: حسن کرمی و ابراهیم منصفی از بندرعباس ، محمد حسن جمشیدی و ناصر زمانی از میناب ، م پگاه از رودان و ... بی شک ارتباط نزدیک و همگرایی این چهره ها آن ها را برای پیش برد آنچه در ذهن داشتند ثابت قدم تر می کرد. گرچه اتفاقات بیرونی و خارج از اختیار هر کدام این نفرات آنها را در برابر سرنوشت تازه ای قرار داد سرنوشتی که به ظاهر برای هر کدام از آنها متفاوت بود اما در باطن همه آنها مخوم به یک پایان بودند و امروز بعد از عبور و پایان

دردناکشان کاملا این مساله قابل تشخیص است . نسل ادامه دهند در دهه هفتاد از یک منظر یعنی انسجام و همگرایی آن ها نسبت به یکدیگر می توانست شباهت های قابل توجهی با نسل پیشگام داشته باشند . هر کدام از آنها از گوشه ای از هرمزگان به سرعت یکدیگر را پیدا می کنند تا پازل حرکتی آنها برای یک جهش بلند آغاز شود. نسل امروز ادبیات هرمزگان بی شباهت به هر دو دوره تاریخی پیش از خود است ، نسلی که در رفتار ادبی آنها بیش از هرگز به ای برتری جویی های فردی دیده می شود از این منظر شاید این دوره ادبی را مجمع الجزایر دور از هم بدانیم که

کمتری می توان در آن زوج های عاطفی مانند حسن کرمی و ابراهیم منصفی را در اواخر دهه چهل یافت. در حوزه رفتارهای ادبی از منظر خلق آثار ، دغدغه های زبانی در شعر شاعران نسل امروز هرمزگان نمود بیشتری دارد مجموعه های چاپ شده از این چهره ها به خوبی نشان ی دهد این دبستگی تا چه میزان در شعر آنها رسوخ کرده است برخی از آنها مانند عارف معلمی ، فاطمه احمدزادگان و حتی در حوزه ادبیات کلاسیک چهره ای مانند سارا سلماسی بیش از اینکه شاعر عرصه معنا باشند شاعر حوزه زبان هستند . از همین زاویه وقتی باز به آثار شاعر نسل تازه نگاه می کنیم دغدغه فرم را نیز دغدغه غالب آن ها می دانیم بعضی از چهره با تثبیت و نهادینه کردن فرم در شعرشان از این مرحله عبور کرده اند و برخی نیز همچنان در حال کسب تجربه های تازه هستند .

در نسل شاعران امروز هرمزگان شما با چهره هایی مواجه هستید که تثبیت آنها گرچه در اواخر دهه هشتاد اتفاق افتاد است اما مرحله عبور با آغاز برای آنها از دهه هفتاد بوده از این منظر به ویژه در حوزه زبان یا آبخشورهای معنا شعری را می بینید که همچنان دل در گرو ویژگی های شعر دهه هفتاد مانند بهره گیری از موج زبان گفتار یا تصویر سازی های این دهه دارد نمونه هایی از نوع شعرها را می توان در آثار ابراهیم آرمات سراغ گرفت . شعر امروز هرمزگان با تمام پستی و بلندی راه ، مسیر خویش را در پیش گرفته است گرچه هنوز نمی توان دستاورد قابل توجهی را برای آن برشمرد اما پنجره امیدش همچنان باز است و نور روشنش امید تابیدن دارد .

## واژه هایی از جنس آرامش

♦ گروه هنری // شیوا شاکری

فردا ۲۷ شهریور است پرننگ ترین روز تقویم برای من و هزاران نفر مثل من . فردا روز بزرگداشت شعر و ادب فارسی است روز پرداختن به موضوعی است که با همه زندگی مایی که با واژه ها نفس می کشیم عجین است . فرقی نمی کند مناسبت این پرداختن چه باشد .

شعر همه وجود ماست و سهممان از دنیا . من شاعر اما شعر را فقط نیاز خود نمی دانم . شعر یک نیاز عمومی بشر است ، یک نیاز روانی برای تخلیه احساسات تلنبار شده در وجود انسان . اگر چه حس سبکی ناشی از نوشتن با هیچ چیز قابل مقایسه نیست ، اما آرامش ناشی از خواندن شعر را هیچ کس نمی تواند انکار کند . به خاطر همین آرامش غیر قابل انکار است که می گویم شعر در انحصار شاعران نیست و مساله همه مردم است . همه ما حرف هایی داریم که تا گفته نشود به آرامش نمی رسیم . اما فقط بعضی از ما قدرت این را داریم که از واژه ها به بهترین شکل استفاده کنیم و بخش بزرگتری از درونمان را در ظرف واژه ها بریزیم و آن را پیش چشم دیگران بگذاریم تا خود را در واژه هایمان پیدا کنند و آرامش بگیرند .

در جامعه ما که فشارهای مختلف کمر مردم را خم کرده است ، مقوله آرامش بخش شعر یک پدیده فانتزی نیست بلکه یک نیاز است . لازم است برای تولید شعر خوب و رساندنش به گوش مردم برنامه ریزی و تلاش شود . فضای مجازی تا حدود زیادی امکان انتشار بدون محدودیت شعر را فراهم آورده است ، اما بی در و پیکر بودنش با ایجاد بستری مناسب برای انتشار شعرهای ضعیف باعث آسیب دیدن شعر ناب و ادبیات اصیل شده است . شعر نیازمند حمایت صاحبان اصلی اش یعنی مخاطبان است . شعردوستانی که لازم است با خواندن شعرهای ناب سلیقه خود را ارتقا ببخشند تا بتوانند شعر خوب را بشناسند و حمایت کنند .

تشخیص شعر خوب از بد هم کار سختی نیست کافی ست بخشی از وقتی که در فضای مجازی صرف می کنند را به خواندن مطالبی که منتقدان در صفحه های شخصی شان منتشر می کنند اختصاص دهند . با خواندن نقدها بعد از مدتی می شود شعر خوب را تشخیص داد و از آن حمایت کرد . ناگفته نماند که صحبت از فضای مجازی به معنای فراموش کردن کتاب نیست . کتاب بهترین منبع برای لذت بردن از شعر است . مجموعه های شعر معمولا قیمت بالایی ندارند و می توانند به راحتی در سبد خرید قرار بگیرند . کتاب های الکترونیکی هم گزینه مناسبی برای مطالعه هستند . هم ارزان قیمت ترند ، هم جا نمی گیرند ، هم برای محیط زیست خطر ندارند .

## بهانه فکر کردن به شعر

♦ گروه هنری // امیرحسین والا

در تقویم هر کشوری برخی از روزهای سال به صورت نمادین به نام فرد یا خردادی خاص نامگذاری می شوند تا مناسبت های مختلف بهانه ای باشد برای گرامیداشت و یادآوری آن موضوع .

روز ۲۷ شهریور نیز در تقویم رسمی ما روز «شعر و ادب پارسی» نام نهاده شده است که با روز بزرگداشت استاد شهریار تقارن دارد . و می توان گفت از روز بزرگداشت این شاعر معاصر گرفته شده است که این موضوع با ، اما و اگرها و نظرات متفاوت روبه رو بوده است .

شاید اگر ممکن بود عزیزان دست اندرکار ورود این مناسبت به تقویم رسمی کشور ، که به نظر می آید بیشتر سیاسی بوده اند تا فرهنگی ، از نظر خود جناب شهریار نیز بهره مند می شدند با توجه به ارادتی که ایشان به شاعران کهن و پیشکسوت خود داشتند ، بی تردید پیشنهاد می دادند که مناسبتر است عنوان «روز شعر و ادب پارسی» منطبق بر بزرگداشت یکی از قله های شعر کهن پارسی باشد . هر چند گمان می رود به دلیل تعدد شاعران بلندآوازه ای این سرزمین و سلیقه های مختلف اهالی ادب و فرهنگ بعيد می نماید که با خرد جمعی نیز می شد روی نام یک فرد به تفاهم رسید . اما به هر روی این اتفاقی است که افتاده و شاید بهتر باشد که اینک بپرسیم حال چه باید کرد؟!

حقیقت این است که شعر برای اهلس در همه ای لحظات زندگی جریان دارد و به روز و زمان خاصی منحصر نمی شود .

شاعری نیست که برای سرودن ، زمان و حدود تعیین کند که خوب می داند الهه شعر زمان مشخصی را برای الهام نمی شناسد . اهل ادبی نیست که در دلش شوق شنیدن و خواندن باشد اما لذت خوانش از متون نو و کهن ادبی را به روز دیگری واگذارد . شاید بیشتر از اینکه روز این اتفاق مهم باشد خوب است باور کنیم این روز و هر روز نمادین دیگر تنها بهانه ای ست برای دورهم بودن و دیدار دوستان . شادی و سیاسگزاری از داشتن موهبتی به نام شعر که جهان ما را از شگفتی و جودش پر از شغف و شور کرده است که با نگاهی به فرهنگ کهن این سرزمین می شود هر روز سال را به نام «شعر و ادب» نامگذاری کرد .

## خدمت به ادبیات!

♦ گروه هنری // نوشته ی: راشدانصاری

پس از حدود سی سال نوشتن و شعر و شاعری ، احساس می کنم نتوانسته ام برای ادبیات آن طوری که دلم می خواهد مفید باشم و به ادبیات فارسی به نحو شایسته ای خدمت کنم .

به همین دلیل نشستیم با خود اندیشیدم و سپس تصمیم گرفتیم یعنی در اصل نشستیم ، تصمیم گرفتیم دو نفری ، خودم و عیال (چرا که بعضی از کارها را نمی توان دست تنها انجام داد!) و بهترین کاری که از دستم بر آمد ، انجام دادم و آن هم این که با یک برنامه ریزی دقیق و اصولی ، درست صبح روز ۲۷ شهریور روز شعر و ادب فارسی) صاحب فرزندی شدم ... با شدیم!

با این کارم گفتم لااقل از این طریق هم به ادبیات خدمتی کرده باشم و هم این که به ندای مقامات ارشد نظام در راستای سفارش و تاکید بر ازدیاد جمعیت لبیک گفته باشم .

از طرفی خدا را چه دیدید شاید «یسنا» خانم ما در آینده ، جبران مافات کرد و اگر نگویم پروینی ، فروغی ، سیمینی! دست کم شاعره ی نسبتا خوبی از کار درآمد تا بیش از این به قول دوستی صدای ادبیات فارسی این قدر مرادنه و کلفت نباشد!

## جهان شعر ، جهان شاعر

♦ گروه هنری // یعقوب سهوزاده

.. باید نوشت / در دگرگونی باد حوصله ایست پُرتنش / وزیدن / از چهارجهت است و... خاک بدون آب ، آتش زاست

«زلال»

من در خودم دو جهان دارم ، جهانی برای زیستن و قلمی که دنیای من است . هرگاه مرا بدون قلم ام فرض کردید ، جهانم را نیز اعدام کنید شعر هرمزگان برخاسته از شور و شعور شرحی تمام دریادلانی است که با مهر و اندیشه ی خود فارغ از هر مرز و جغرافیا استحکامش را به قلب مخاطب خوش ذوق رسانده است ، مخاطب پرشوقی که با زمزمه و دکلمه کردن شعر و ترانه های منطقه ی خود لحظه های هنری قشنگی را می آفریند ، چه بسا ترانه های بومی و فارسی ناب توسط خوانندگان به آواز درآمده و طنین موسیقی و شعر ، لحظه هایمان را زیباتر کرده است این یعنی : حضور گرم هر شاعر نغمه ی روشنی است که توانایی قلم را همچنان استوار ساخته است .

روز بزرگ داشت شعر و ادب فارسی مبارک باد

## زنان شاعر و مصائب سرودن

♦ گروه هنری // فریبا حمزه ای

امروزه موانع و مشکلات زیادی سد راه زنان شاعر و نویسنده وجود دارد موضوع جنسیت به عنوان یک واقعیت غیر قابل انکار در جوامع انسانی همواره مطرح بوده که این مسئله خصوصا در جوامع کوچکتر نمود بیشتری دارد و بالطبع تبعات

حاصل از آن به شکل یک مسئله لاینحل باقی مانده است. این مسئله در مورد بانوان نویسنده و شاعر شاید بعترج تر باشد، حضور زنان در عرصه ادبیات تحولات اجتماعی در سالهای اخیر چشمگیر بوده اما به دلیل غلبه دیدگاه سنتی که به جایگاه زن وجود دارد هنوز به شکل قابل قبولی مورد پذیرش نیست مخصوصا در جوامع کوچکتر و سنتی تر. اما علیرغم وجود تمامی موانع و مشکلات زنان هرمزگان در دهه های اخیر گام به گام زنان کشور در ادبیات حضور پر رنگی داشته اند این حضور خصوصا از دهه های هفتاد که مصادف با

جریان شعری شاخص این دهه بود و به نوعی اوج تحولات ادبی هرمزگان محسوب می شود که منجر به بروز چهره های شاخص ادبیات در داخل و خارج استان شد. همزمان با وقوع این تحولات در عرصه ی ادبی استان زنان هرمزگان هم در این عرصه خوب درخشیدند در سالیان اخیر با گسترش وب جهان گستر و تحولات وسیع در حوزه فضای مجازی بستری تازه برای دسترسی آسانتر بانوان و ارتباط موثر با انجمن های ادبی سراسر کشور در زمینه معرفی

چهره های نو به عرصه ی ادبیات فراهم شد به طوریکه امروزه شعر هرمزگان یک شعر پیشرو و آوانگارد است ، شعر زنان هرمزگان چه از لحاظ کمی و چه از لحاظ کیفی یک شعر بالنده و بیوا ودر خور توجه است. من به آینده ی شعر بانوان هرمزگانی و قدرت خلق و آفرینش آنها در حوزه ی شعر و ادبیات ایمان دارم ، این حضور چه از لحاظ کمی و چه از لحاظ کیفی بوده ، و به طور قطع می توان گفت زنان هرمزگانی جایگاه خود را در ادبیات کشور تثبیت کرده اند

من به این چشم انداز خوشبینانه نگاه می کنم من این مطلب را با این جمله معروف تمام می کنم که هر جا زن موفقی را دیدی حتما ستایش کن چون برای رسیدن به موفقیت چند برابر کن مرد تلاش کرده است .